

آرم حزب به تصویب دفتر سیاسی رسید!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی

صفحه ۴



پیروزی حزب کمونیست کارگری عراق در المقدادیه (شاربان)

گفتگو با سمیر عادل

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق

داروهای که کشورهای مختلف برای مردم عراق میفرستند بوسیله مقامات دولتی دزدیده میشود. مثلا تنها در یک مورد ۱۳ تن مواد دارویی توسط وزیر بهداشت که عضو حزب الدعوه است دزدیده شده است. مردم از این وضعیت بسیار ناراضی هستند و حزب کمونیست کارگری تنها مرجعی است که به حرف آنها گوش میدهد و آنها را راهنمایی میکند.

در "شاربان" مردم به دفتر حزب مراجعه و از بقیه در صفحه ۳

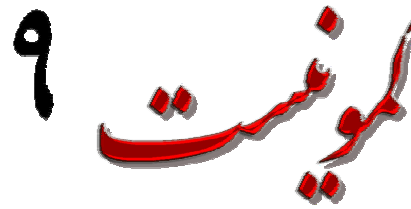
مرکز رشوه خواری و حیف میل کردن ثروت جامعه تبدیل شده است. مقامات دولت منصوب آمریکا برای پروژه های مختلف هزینه های هنگفت میگیرند اما قسمت اعظم آن بودجه را بالا میکشند. مثلا اگر ای هزینه کنند مینویسند که ۱۰۰ هزار خرج کرده اند. نفت و گاز را در بازار سیاه میفروشند. آب و برق به اندازه کافی نیست. مردم مجبور هستند که آب آلوده مصرف میکنند.

این مصاحبه با رفیق سمیر عادل توسط سعید کرامت برای نشریه کمونیست انجام شده است.

کمونیست: اخیرا اخباری منتشر شده است مبنی بر اینکه حزب کمونیست کارگری عراق در شهر "شاربان" یا المقدادیه، اعتراضاتی را سازمان داده که منجر به برکناری فرماندار آن شهر شده است. جریان از چه قرار است؟

سمیر عادل: منطقه شاربان مثل سایر شهرهای دیگر عراق به

جمعه ها منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۹ - ۸ آبان ۱۳۸۳ - ۲۹ اکتبر ۲۰۰۴

www.hekmatist.com

سردبیر: کورش مدرسی

در نیمه راه نجات سه انسان به کوشندگان نجات جان ژیل، بختیار ایزدی و فرزندشان

موتور در رسانه ها، با ارتباطات مستمر و گسترده با نهادهای متعدد مدافع حقوق انسان و حقوق کودکان و زنان، با جلب حمایت وسیع و با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی هوزان محمود و مهرنوش موسوی در محل اتحادیه اروپا، گامهای مهمی را در راه نجات این انسانها برداشته اند. نهادها و کانونهای متعددی در داخل و خارج ایران در

چند هفته از کمپین برای نجات ژیل و بختیار ایزدی و چند ماه از درد و رنجی که این دو کودک کشیده اند گذشته است. در این مدت تلاشهای بیدریغی در ایران و خارج کشور برای نجات این سه انسان در جریان بوده است. در سطح بین المللی ناهید ریاضی از سازمان رهایی زن به اتفاق همکارانش در "کمپین نجات ژیل و بختیار ایزدی" با حضور فشرده و



برای یک انقلاب اکتبر در ایران به مناسبت سالروز انقلاب اکتبر

محمود قزوینی

ایران آستان یک انقلاب، یک دگرگونی عمیق است. مصالح و فاکتورها برای یک دگرگونی عمیق یک به یک آماده شده و میشود. حکومتی که نمیتواند حکومت کند، مردمی که نمیخواهند پیش از این به سلطه یک مشت اقلیت وحشی تن دهند. جنبش های

nahid@mail.danbbs.dk

اجتماعی که با خواستها و مطالبات روشن به میدان آمده اند و برای اجرای مطالباتشان راهی به جز به زیر کشیدن رژیم سیاسی موجود نمی بینند. همه و همه هر روز زمینه های بیشتری را برای یک دگرگونی عمیق آماده میسازد.

محور این دگرگونی سیاسی در ایران برچیدن بقیه در صفحه ۲

۱۶ آذر و نقش دانشجویان کمونیست

مصاحبه با بهرام مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

bahram-modarresi@freenet.de



آب را می بستند. کسی اجازه نداشت غذا بخورد. مردم رو هلاک می کردند تا وقتی که نوبت غذا خوردن و به اصطلاح افطار برسد. امسال اما داستان فرق کرده است. آنها مجبورند در فضایی که همراه با اعتراضات وسیع در سطح دانشگاه های کشور است، به

بقیه در صفحه ۳

فضای عمومی جامعه در این رابطه چیست؟ بهرام مدرسی: ماه رمضان همیشه مناسبتی بوده که در آن رژیم یک بار دیگر بودنش را و امکان سرکوبش را و اساسا حاکم بودن احکام اسلامی را نشان دهد. سال های پیش برای نمونه اینها در مدارس و دانشگاه ها حتی شیرهای

کمونیست: ماه رمضان است و رژیم معمولا از چنین مناسبتهایی برای تحمیل قوانین مذهبی به مردم و به خصوص جوانان استفاده میکند. طبق اخباری که به دست ما رسیده است رژیم در شهرهای گوناگون، در رشت و تهران و غیره تعدادی را به جرم "روزه خواری" دستگیر کرده است. ارزیابی شما از

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در نیمه راه ...

این راستا فعالیت‌هایی قابل تقدیری را شروع کرده‌اند. ما به کمپین نجات ژیل و بختیار ایزدی و همه این نهادها و انسانها درود میفرستیم. تداوم این فعالیتها ضامن نجات قطعی این انسانها است.

تحت فشار این فعالیتها جمهوری اسلامی عقب نشینی کرد. از حکم اولیه سنگسار عقب نشست و آن را به "حبس تعزیری" تغییر دادند. و دیروز ۲۷ اکتبر نمایندگان رژیم به منظور همراه کردن افکار عمومی، قبل از کنفرانس مطبوعاتی مهرنوش موسوی و هوزان محمود، اعلام کردند که ژیل و بختیار را آزاد کرده اند. اما کمیته مربیان حزب ما فوراً و طی اطلاعیه‌ای این دروغ نمایندگان جمهوری اسلامی را افشا کرد.

واقعیت این است که ما در رابطه با نجات کامل ژیل و بختیار هنوز در نیمه راهیم. در این رابطه توجه همه عزیزان درگیر در این کمپین را به نکات زیر جلب میکنیم:

۱- تا کنون این دو کودک از خطر سنگسار و اعدام و یا زندان طولانی مدت نجات یافته اند. این پیشروی مهمی علیه جمهوری اسلامی و توحش آن است. این واقعیت مدیون تلاشهای شماست. اما اگر این تلاش به سرانجام نهایی نرسد موفقیت تاریخی قابل باز پس گیری است. رژیم اسلامی ممکن است تا هنگام رسیدن این کودکان به سن قانونی آنها را در "خانه سلامت" نگه دارد و به تصمیم قبلی خود مبنی بر اجرای احکام اسلامی و شرعی اش بگردد. ژیل و بختیار کماکان در این خطر هستند.

۲- ژیل و بختیار کماکان بازداشت هستند و از آزادیهای فردی و اجتماعی محروم. این دو کودک تحت کنترل دولتی قرار دارند که هیچگونه پایبندی به حقوق کودک و انسان ندارد. ژیل و بختیار فعلاً مورد شستشوی مغزی مداوم و تبلیغات ایدئولوژیک اسلامی قرار دارند. این کار عملاً هم تنبیه و زندانی کردن آنهاست و هم شکنجه روحی شان. این امر قابل قبول نیست. این دو کودک

باید فوراً از این حبس (تعزیری) تحت عنوان "خانه سلامت" بیرون بیایند و واقعا آزاد شوند.

۳- آزادی این دو کودک بر خلاف یک تصویر ساده و رایج الزاماً به معنای تحویل آنها به خانواده و وابستگانشان نیست. با توجه به مناسبات سیاسی و اجتماعی که جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده است، حمایتی که جریان ارتجاعی و عقب مانده از جمهوری اسلامی دارند، تحویل آنها به خانواده میتواند خطرات جدی را برای امنیت ژیل و بختیار و خانواده اش ایجاد کند. میتواند ریسک بزرگی برای این دو کودک و بستگانشان داشته باشد.

نباید در این مورد توهم داشت. حفظ امنیت کامل این دو انسان در مقابل تعصبات عقب مانده و ارتجاعی که جمهوری اسلامی خود دامن زنده آن است خارج از مقدرات خانواده آنان است. هم اکنون خانواده آنها خود تحت فشار تعصبات و فشارهای اخلاقی زیادی قرار دارند و چه بسا علیرغم عشق و علاقه به فرزندانشان توان تحمل نیش زبانهای کهنه پرستانه را نداشته باشند. ژیل و بختیار و

خانواده او را نباید به این سرنوشت محکوم کرد. در شهر کوچکی که خانواده ایزدی بسر میبرند، تعصبات کور مذهبی و ناموس پرستانه وجود دارد، لمپنهای مذهبی و ناموس پرست و با عوامل رژیم اسلامی علیه این دو کودک اقدام خواهند کرد. در این نباید تردید کرد. جمهوری اسلامی خود چنین اقدامی را تشویق خواهد کرد و حتی سازمان خواهد داد. در این هم نباید تردید کرد. این دو کودک در معرض تهدید و تمسخر و سرزنش و زخم زبان مرتجعین قرار خواهند گرفت. چنین فشار اخلاقی کشنده است و چه بسا آنها را به یاس و ناامیدی سوق دهد!

۴- همه تلاش ما باید بر حفظ کامل امنیت این دو کودک متمرکز. مساله این است که حفظ امنیت این دو کودک اساساً در خارج از حیطه خانواده و بستگان و حتی شهر میوان و دور از چشم و دسترس آنها ممکن است. مسئولیت حفظ جان و حرمت ژیل و بختیار را باید یک نهادی انساندوست و یا شخصیت‌های انساندوست صاحب صلاحیت برعهده بگیرند و ملزومات مادی

و معنوی برای حفاظت از این دو کودک و بازسازی جسمی و روانی آنها فراهم باشد. انتقال ژیل و بختیار به کشورهای اروپایی یک راه ممکن است.

۵- موقعیت نوزاد حساسیت خاص خود را دارد. سپردن سرپرستی و بزرگ کردن این نوزاد به ژیل یا بختیار و یا هردو آنها که خود کودک هستند توقعی نابجا و نادرست است. کودک نوزاد باید تحت سرپرستی دلسوازه و کامل قرار داشته باشد و ژیل و بختیار بتوانند در صورتیکه بخواهند در پرورش این کودک سهیم شوند

۶- و بالاخره هماهنگی تلاش برای نجات این ۳ انسان در داخل ایران و خارج کشور ضروری است. یک راه موثر ارتباط با ناهید ریاضی است. کمپین نجات ژیل و بختیار میتواند این هماهنگی را تأمین و تضمین کند. این هماهنگی شرط موفقیت این تلاش انسانی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۷ آبان ۸۳ (۲۸ اکتبر ۲۰۰۴)

اکتبر...

رژیم اسلامی و زدودن دست مذهب از زندگی مردم است. رژیم اسلامی و دستگاه جهنمی اسلام یک وصله ناجور به تن جامعه ایران است. جامعه ایران رژیم اسلامی و دستگاه جهنمی اسلام را مدتهاست از خود دفع کرده است. این رژیم و این دستگاه، مانند حضور یک ارتش بیگانه و اشغالگر در ایران عمل میکند. رژیم اسلامی دیر یا زود نابود میشود.

نابودی رژیم اسلامی میتواند به پیروزی کارگران و مردم در ایران منجر شود. این پیروزی میتواند آغاز یک سلسله از انقلابات در جهان شود. اگر پیروزی مردم در ایران، شکست اسلام سیاسی و دستگاه جهنمی اسلام در یک محدوده جغرافیای مهم در جهان است، این پیروزی، یک پیروزی

جهانی بر اسلام سیاسی در سطح جهانی نیز است و به همین دلیل در همان ضرب اول به یک حمایت جهانی و به یک تحرک جهانی دامن میزند و میتواند به یکسلسله از انقلابات در جهان بینجامد.

تصادها و درگیریهای رژیم اسلامی و اسلام سیاسی در سطح جهان با غرب، رژیم اسلامی را به یک حلقه ضعیف در زنجیره سرمایه جهانی تبدیل کرده است که پرچیدن آن را برای مردم آسانتر ساخته است. ایران با رژیم اسلامی نمیتواند در چهارچوب تولید و بازتولید سرمایه بر بحران اقتصادی خود حتی در کوتاه مدت فائق آید و این ادامه حیات رژیم اسلامی را که با نفرت و تحرک مردم محاصره شده است دشوار میسازد.

انقلاب در ایران میتواند به یک انقلاب اکتبر دیگر در جهان منجر شود، اگر حکمتیستهای کمونیسم کارگری بتوانند، مانند لنین و بلشویکها عمل کنند. لنین و بلشویکها ظرف مدت ۸ ماه توانستند به یک حزب قوی و قدرتمند در روسیه تبدیل شوند و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را سازمان دادند.

در دوره اخیر در ایران یک گشایش برای انجام یک نقش تاریخساز برای کمونیسم باز شده است. سوالی که در مقابل ما حکمتیستها قرار دارد این است که آیا از این فرصت تاریخساز میتوانیم استفاده کنیم؟ انقلاب اکتبر در روسیه نتیجه اراده و سازمانگری و تشخیص و موقع شناسی درست لنین بود. انقلاب اکتبر در ایران نتیجه اراده و سازمانگری و تشخیص و موقع

شناسی درست حکمتیست ها خواهد بود.

انقلاب اکتبر نتیجه محتوم تکامل انقلاب فوریه در روسیه نبود. انقلاب فوریه به سرنگونی تزار منجر شد و فقط بشارت دهنده یک روسیه بورژوا بود. انقلاب کمونیستی و کارگری اکتبر در روسیه نه تکامل انقلاب فوریه، بلکه نتیجه تکامل سازماندهی انقلاب توسط حزب بلشویک بود. انقلاب اکتبر فقط از مصالحی که انقلاب فوریه آماده ساخت بهره گرفت.

انقلاب فوریه یک انقلاب خودبخودی و غیر سازمانیافته بود. در مقابل اما انقلاب اکتبر یک انقلاب سازمانیافته و با نقشه بود. انقلاب کارگری نمیتواند بدون نقشه از پیشی، بدون قیام سازمانیافته به پیروزی دست یابد. این

انقلاب را باید سازمان داد-

انقلاب کمونیستی در ایران و یا حتی سر بر آوردن یک جریان کمونیستی نیرومند در ایران که قابل مشاهده و لمس باشد، مردم دنیا و بشریت متمدن را علیه بوریست‌ها در سطح جهان به میدان میکشد.

تلاطم سیاسی در ایران به نابودی جمهوری اسلامی میانجامد. اما آینده ایران در مقابل یک انتخاب است. حکمتیستهای کمونیسم کارگری باید بتوانند به سبک انقلاب اکتبر یک انتخاب سوسیالیستی را در مقابل مردم ایران قرار دهند.

زنده باد انقلاب اکتبر

زنده باد لنین

زنده باد منصور حکمت

بود. در این میان فعالیت های زیادی دیگری شد. بعنوان نمونه ربیوار احمد اطلاعیه ای صادر کرد و مردم عراق را به حمایت از مردم [شاربان] و حزب کمونیست کارگری فراخواند که باعث شد قضیه به مسئله سراسر عراق تبدیل شود.

مجموعه این فعالیتها باعث شد که آمریکائی ها مستقیماً دخالت کنند و جلسه ای با حضور نمایندگان همان سه حزب، فرماندار و معاون استاندار تشکیل دادند. در این جلسه شهردار ۵ روز فرصت از حزب کمونیست کارگری خواسته بود تا به شکایات علیه خودش جواب بدهد. اما حزب همچنان بر انحلال

شورای شهر، برکناری شهردار، آزادی سالم فرحان، تحت تعقیب قرار دادن عاملین حمله به مقر حزب و تشکیل شورای شهر با رای مستقیم مردم شد. دلائل و مدارک قانونی بر علیه شهردار به حدی زیاد بود که حتی آمریکائیها نتوانستند از او حمایت کنند. در نتیجه شهردار مجبور به استعفا و فرار شد.

در "شاربان" تظاهرات به رانداختیم و خواهان برکناری فرماندار و رسیدگی به وضعیت شهر و شکایات مردم شدیم. وقتی که روسای احزاب موقعیت دفتراشان در بغداد و جدیت ما را دیدند، اظهار بی اطلاعی کردند و از در مسالمت در آمدند.

فعالیت های ما از طریق رسانه های گروهی انعکاس بسیار خوبی داشت حتی رادیو "سوا" (رادیو شبیه رادیو فردا، اما زبان عربی) - که نظرات رسمی دولت آمریکا را تبلیغ میکند - از تظاهراتها و فعالیتهای ما گزارش و مصاحبه تهیه کردند.

کمونیست: نقش مقامات چگونه بود؟

سمیر عادل: از نظر سیاسی بسیار تحت فشار ما بودند. وکیل حزب با آنها تماس گرفت و با دلائل و مدارک تعرض نظامی، فتوای قتل و نقض آزادیهای سیاسی را به آنها نشان داد گفت خیلی از این حرکات تروریستی هستند و مسئول درجه اول هر اقدامی مقامات آمریکایی در عراق خواهند

سمیر عادل: منظوم حزب الدعوه، مجلس شورای انقلاب اسلامی عراق و اتحادیه میهنی کردستان. جملگی خواهان بستن دفاتر حزب و ممنوعیت فعالیت ما شدند. حتی نماینده اتحادیه میهنی اظهار افتخار کرده بود که آنها از سال ۲۰۰۰ به اتهام تبلیغات ضد دینی مانع فعالیت علنی ما در سلیمانیه شده اند. البته بعضی از گروههای اسلامی هم فتوای قتل من را هم صادر کردند. و یکبار هم یک با آری جی به دفتر حزب در شاربان حمله کردند. که جواب خودشان را گرفتند و پا به فرار گذاشتند.

کمونیست: عکس العمل حزب شما در قبال این وضعیت چگونه بود؟

سمیر عادل: ما اخطار کردیم که اگر دفاتر ما در "شاربان" به زور بسته شود ما هم در شهرهای دیگر دفاتر آن احزاب را بزور خواهیم بست. همزمان با نیروی نظامی، حزب مراکز حزب الدعوه، اتحادیه میهنی و مجلس اعلائی اسلامی عراق در بغداد را محاصره کردیم و هیئتیهائی را برای اعتراض پیش آنها فرستادیم. همزمان

سمیر عادل: گفت مانع فعالیت حزب خواهد شد. به دنبال این من شخصا یک اطلاعیه صادر کردم و طی آن نکات زیر را اعلام کردم:

۱ - ما خواهان تشکیل شورای شهر از نمایندگان مردم هستیم

۲ - وظیفه شهردار خدمت به مردم و برقراری امنیت است.

۳ - حزب کمونیست کارگری عراق از مبارزات مردم علیه دزدی، رشوه خوری، و بی عدالتی در شهر شهربان پشتیبانی میکند.

به دنبال این اقدام، میتینگهای اعتراضی وسیعی راه انداختیم. در مقابل فرماندار "شاربان" اقدام به بازداشت سالم فرحان مسئول تشکیلات حزب کمونیست کارگری در "شاربان" کرد. سپس با رهبران احزاب دیگر تشکیل جلسه داد و خواهان بستن دفاتر حزب ما در شهر شد.

کمونیست منظور رهبران چه احزابی است؟ و نتیجه جلسه شان چی شد؟

مشکل بتوانند این قوانین و احکام را مثل سالهای گذشته به آنها تحمیل کنند - گفتم نمونه روشش اعتراضاتی است که در دانشگاه های مختلف و در سطح کشور علیه کیفیت بد غذا وجود دارد. آنها میخواهند به مردم گرسنگی بدهند، دانشجویان هم علیه کیفیت بد غذا اعتراض میکنند! این انعکاس وضعیت کل جامعه است، جامعه ای که فضای عمومی آن چپ است، فضایی که در خودش می جوشد. می جوشد برای به خیابان آمدن و اعتراض کردن علیه جمهوری اسلامی و مبارزه برای سرنگونی آن. این جرقه کی زده خواهد شد؟ به نظر دیگر این ربط مستقیمی دارد به اینکه کمونیسم کارگری به رهبری حکمتیست ها چه میکند؟ اتفاقاً چند ماهه اخیر نشان دادند که آنجا که حکمتیست ها حاضر نباشند یا دیوانگانی مثل هخا جلو می افتند و یا اینکه مردم و جوانانی که مشتاق ایجاد جهانی آزاد و برابر هستند فعلاً دست نگه میدارند.

بقیه مصاحبه با سمیر

شهردار و اعضای شورای شهر شکایت کردند. حزب هم مراتب اعتراض مردم را به اطلاع مقامات شهر رساند و از آنها خواست که به خواسته های مردم توجه کنند. اما، مقامات شهرداری به این امر توجهی نکردند. سپس حزب طی اطلاعیه ای خواستار، برکناری فرماندار و انحلال شورای شهر، که هردو منتسب آمریکا هستند شد. این اطلاعیه با استقبال بسیار وسیعی روبرو شد. به دنبال آن فرماندار از حزب درخواست کرد که در ازاء باز پس گیری آن اطلاعیه هر تعداد کرسی در شورای شهر بخواهند به آنها داده میشود. ما با قول چنین پیشنهادی مابستی تبلیغات را علیه شهردار متوقف می کردیم و در واقع با او شریک میشدیم این رشوه بود. ما آن را رد قاطعانه کردیم به دنبال آن فرماندار حزب را تهدید کرد.

کمونیست: تهدید کرد که متلاً چکار کند؟

بقیه از صفحه ۱

استقبال این اعمال ارتجاعی خود برونند. فعلاً بعد هم به جای اینکه بگیرند و بزنند و مردم را به زور روانه نمازخانه و مجالس مذهبی شان کنند و سعی کنند توحش و قوانین اسلامی را بر جامعه حاکم بکنند، آمدند پای خواهش و تمنا کردن که شئون اسلامی را حداقل در رعایت کنند. اطلاعیه های خبری در این رابطه از طرف مرکز خبری ما منتشر شده اند. این از موقعیت ضعیف سیاسی جمهوری اسلامی در مقابل مردم و جوانان ناشی میشود. امسال به نظر من جمهوری اسلامی و تمام دستگاه حکومتی آن خوشحالی می شدند اگر اصلاً ماه رمضان وجود نداشت. چون اقدامات رژیم در سالهای قبل در این رابطه و عدم توانایی آنها در اجرای همان قوانین و فشارها امسال، موقعیت ضعیف آنها را به نمایش می گذارند و این اتفاقی است که همین الان دارد می افتد. اینها می دانند که جوانها و به خصوص دخترها ضد مذهب و این احکام و قوانین اسلامی هستند و

این روز شلوغ میشود یا نه را تضمین کرده باشیم. اگر از همین امروز شبکه های دانشجویان کمونیست بکار بیفتند و فضای دانشگاه را برای روز ۱۶ آذر آماده کنند و همه را حول شعارهای زنده باد آزادی و زنده باد برابری بسیج کنند و این تظاهرات ها را سازمان دهند، دیگر بستن در دانشگاه ها کمک زیادی به رژیم برای از سر گذراندن این روز نخواهد کرد. در این صورت ما اگر امکان تظاهرات هم نداشته باشیم، فضای دانشگاه ها را برده ایم. و این همانطور که گفتم کاری است که برای تضمین آن از همین امروز باید دست بکار شویم.

کمونیست: مشخصاً چه باید کرد؟

بهرام مدرس: امکانات علنی و نیمه علنی زیادی، مانند نشریات یا انجمن ها، هستند که باید به این مساله توجه کنند و در این راستا کار کنند. شبکه های دانشجویان کمونیست ۱۶ آذر سال گذشته نشان دادند که بسیار قابل و پخته هستند. من اینجا وارد اقدامات ممکن ریز نمیشوم. اما در سطح کلی باید بگویم که باید بروز بیرونی داشت.

چنان عمل کند که بتوان تعیین کند در این روز چه اتفاقی باید بیفتد؟ اعتراض دانشجویان مثل اعتراض عمومی در ایران بحران رهبری دارد. عینی هنوز رهبری سراسری و کارا و رادیکالی برای آن پیدا نشده است. این رهبری را دانشجویان کمونیست و چپ باید به اعتراض عمومی دانشجویان بدهند. باید دستخو و رهبر اعتراض دانشجویان شوند.

وجود اعتراض و تظاهرات در روز ۱۶ آذر به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد که همه اش در کنترل ما نیست. احتمال این هست که رژیم با استفاده از تجربه ۱۸ تیر چندین هفته پیش از ۱۶ آذر فضایی پلیسی را حاکم کند و یا اصلاً نگذارد که کسی به دانشگاه برود. همین امروز رفت و آمد به دانشگاه ها را بشدت کنترل میکنند، تاجایی که حتی استادان دانشگاه ها هم باید کارت ورودی نشان دهند. در چنین شرایطی باید ما چنان فضای دانشگاه ها و مراکز تحصیلی را بر سر ۱۶ آذر و خواسته ها و شعارهایمان از همین امروز قطبی کرده باشیم که بردمان را مستقل از اینکه

کمونیست: فکر می کنید ۱۶ آذر می تواند شروع این جرقه باشد؟

بهرام مدرس: به نظر من ۱۶ آذر میتواند شروعش باشد، ۱۶ آذر می تواند جرقه ای باشد که مردم از آن استفاده کنند و به خیابانها بیایند و خواسته ها و مطالباتشان را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند. این اما مشروط به آن است که رهبرانی جلو افتند و ۱۶ آذر را به آنچه که باید باشد تبدیل کنند. مشکل دانشجویان و جوانان این نیست که معترض نیستند و اعتراض نمیکنند، مشکل این است که با کنار زدن تمام ارگانها و انجمنهای دوم خردادی، رهبری که جلو بیاید و کل این اعتراضات را هدایت کند، هنوز شکل نگرفته است. اگر میخواهیم که ۱۶ آذر روزی باشد که مردم و جوانان در آن امکان این را پیدا کنند که خواسته هایشان را بیان کنند، بدواً باید کسانی باشند که بخواهند که در این روز چنین اتفاقی بیفتد. این نسل رهبران چپ و کمونیست البته وجود دارد. این صف رهبران چپ اعتراضات دانشجویی باید

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در روزهای دوم و سوم آبان (۲۳ و ۲۴ اکتبر) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی، شماری از اعضای کمیته مرکزی و هیاتی از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق برگزار شد. دفتر سیاسی در این نشست ابتدا آئین نامه و دستور جلسه را به تصویب رساند.

برای آماده کردن اسناد میانی حزب سیاسی برای بررسی در اجلاس آینده، دفتر سیاسی، کمیسیونی مرکب از آذر مدرس، رحمان حسین زاده و فاتح شیخ را برای بررسی این اسناد و ارائه متون نهایی به جلسه آتی دفتر سیاسی انتخاب شد.

در ادامه جلسه، کورش مدرس لیدر حزب گزارش فعالیت های حزب در دوره یکماهه بعد از پلنوم اول را به اطلاع دفتر سیاسی رساند. محورهای اصلی گزارش و پروژه هایی که در دستور هیات دبیران است به بحث و اظهار نظر حاضرین گذاشته شد و در پایان، دفتر سیاسی طی قراری به اتفاق آرا اولویت ها و پروژه های لیدر و هیات دبیران را تأیید کرد و بر تعجیل در به سرانجام رساندن آنها تأکید گذاشت.

مبحث اوضاع سیاسی ایران دستور دیگر نشست بود. در این بخش، با تأکید مجدد بر روندها و محورهای پایه ای بحران عمومی جمهوری اسلامی و نا ممکن بودن ادامه بقای جمهوری اسلامی، مولفه های کنونی اوضاع سیاسی و بویژه معضل رهبری در جنبش سرنگونی مورد بحث قرار گرفت. دفتر سیاسی بر مبرمیت پاسخگویی حزب حکمتیست به معضل رهبری در جنبش سرنگونی تأکید گذاشته شد و آنرا بعنوان یک مولفه مهم و کلیدی شرایط کنونی متمایز ساخت.

در این نشست، آرم حزب، که توسط بهروز مدرس طراحی و پیشنهاد شده بود، به تصویب دفتر سیاسی رسید.

دفتر سیاسی علاوه چند قرار دیگر، از جمله قراری در مورد انتخاب دبیر کمیته های حزبی، رئیس دفتر سیاسی و سایر مسئولین انتخابی، را به تصویب رساند. با توجه به مفاد قرار مصوب، انتخابات مجدد برای رئیس دفتر سیاسی صورت نگرفت. فاتح شیخ کماکان رئیس دفتر سیاسی است. دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

هفتم آبان ۱۳۸۳ - ۲۸ اکتبر ۲۰۰۴

از: صفحه ۳ - با بهرام ...
شعار نویسی یکی از ابزارهای این کار است. باید با استفاده از موقعیت ها و امکانات مختلف دانشجویان را متحد کرد. راستش کل داستان ۱۶ آذر بهم بافتن و متحد کردن محیط های دانشجویی حول یک رهبری چپ، رادیکال و کمونیست است. در نتیجه جمع کردن متحد کردن، نقشه مشترک ریختن، توطئه های رژیم را خنثی کردن، جز لاینجزای کار است. خواندن، تکثیر، پخش و بحث در مورد نوشته های منصور حکمت،

همین نشریه کمونیست و سایر نشریات حکمتیست ها ابزار خوبی برای این کار است.
ارتباط با ما، ارتباط با ما، بازهم ارتباط با ما اهمیت حیاتی دارد. ما میتوانیم سراسر ایران را بهم وصل کنیم. ما میتوانیم تجربه و برنامه مه جا را به هم منتقل نماییم ما میتوانیم و می خواهیم شبکه اعصاب این جنبش عظیم باشیم. جنبشی که اگر حول این شبکه فرم بگیرد در جامعه ما دنیائی را میچنابد.

قرارهای مصوب اجلاس اخیر دفتر سیاسی

قرار ۴۰۰۱

۲۳ اکتبر ۲۰۰۴

دفتر سیاسی اولویت ها و پروژه های در دستور لیدر حزب و هیات دبیران را تأیید میکند و بر تعجیل در به سرانجام رساندن آنها تأکید میگذارد.

قرار ۴۰۰۲

۲۴ اکتبر ۲۰۰۴

نشست دفتر سیاسی از رفیق بهروز مدرس بخاطر طراحی آرم حزب قدردانی میکند.

قرار ۴۰۰۳

۲۴ اکتبر ۲۰۰۴

در مورد انتخاب دبیر کمیته های حزبی، رئیس دفتر سیاسی و سایر مسئولین انتخابی جهت تسهیل کار، ممانعت از انجام امور صرفاً تشریفاتی و صرف جوئی در وقت کمیته ها، ترتیب انتخاب دبیران کمیته ها، رئیس دفتر سیاسی و مسئولین انتخابی به شرح زیر خواهد بود:

۱ - دبیر کمیته های حزبی، رئیس دفتر سیاسی و مسئولین انتخابی دیگر بطور روتین در اولین اجلاس نهاد مربوطه به دنبال کنفرانس تشکیلاتی و یا کنگره حزب انتخاب میشوند.

۲ - تجدید انتخابات دبیر کمیته ها، رئیس دفتر سیاسی و مسئولین انتخابی دیگر در سایر جلسات کمیته ها یا دفتر سیاسی در یکی از حالات زیر انجام میشود:

الف - تقاضای کمیته یا ارگان مافوق

ب - در صورتیکه فرد منتخب کناره گیری کرده باشد یا خود خواهان تجدید انتخابات باشد

پ - یک کاندید دیگر برای پست مربوطه وجود داشته باشد

ت - فرد منتخب استیضاح شده باشد.

ث - یک سوم اعضای کمیته یا دفتر سیاسی خواستار انتخابات باشند.

در شرایطی غیر از آنچه که در بند ۲ آمده است، برای تعیین دبیر کمیته، رئیس دفتر سیاسی و یا هر پست انتخابی دیگری انتخابات صورت نمیگیرد.

پوشش

با توجه به طولانی شدن مصاحبه با حسین مرادیگی در مورد نقشه عمل کمیته کردستان - متن کامل این مصاحبه در نشریه حکمت منتشر خواهد شد

حکومت مذهبی را تبدیل به فضای علنی در جامعه، در محله و مدرسه و دانشگاهمان بکنیم. این فضا وجود دارد. هر کجایی که شما در آن جامعه سر بزنید متوجه این فضای مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهید بود. ۱۶ آذر محملی برای گسترده تر کردن و عمومی تر کردن و علنی تر کردن این فضا علیه جمهوری اسلامی است. بعد از ۱۶ آذر جمهوری اسلامی باید در مقابل مردم در موقعیت بدتری قرار گرفته باشد. من فکر می کنم ما می توانیم این کار را بکنیم. شرط همه اینها اما گفتم جلو آمدن رهبرانی است بخواهند این اتفاق بیفتد.

آزادی! برابری! مرگ بر جمهوری اسلامی! به نظر من باید شعار محوری ما در ۱۶ آذر باشد. شعارهای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، بازگشت فوری و بی قید و شرط همه دانشجویان محرومی به دانشگاهها، لغو حجاب اجباری و دست مذهب از زندگی ما کوتاه، شعارهایی هستند که به نظر من میتوانند در اعتراضات ۱۶ آذر به دست گرفته شوند. امروز همه، چه در خانه یا محل کار چه در خوابگاه دانشجویی یا صف اتوبوس یا تاکسی و چه در محافل و مجالس متوجه شور و شوق مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستند. این خواست داشتن زندگی انسانی بدور از نکبت

تلاش کنیم که تعداد هر چه بیشتری از دوستانی که با ما هم نظر هستند را به سازمان جوانان حکمتیست وصل کنیم و از آن طریق امکان فعالیتی هماهنگ و گسترده را تضمین کنیم. اقدامات زیاد دیگری را میشود انجام داد که حتماً دوستان خودشان در محل میدانند. در ادامه سعی کنیم با همه دوستان، رفقا، آشنایان در محله، در مدرسه و دانشگاهها بر سر اینکه این روز می تواند امکانی باشد برای اعلام خواسته هایمان، برای نظاهرات کردن و به خیابان آمدن باشد بحث کنیم و همه به این توافق مشترک برسیم. دوم باید از همین امروز شعارهایمان برای ۱۶ آذر معلوم باشد، شعار

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!